

نقش و جایگاه امین الدوله در توسعه و اصلاحات در ایران

چکیده

قاجاریان دودمانی بودند که از حدود سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ به مدت صد و سی سال بر ایران فرمان راندند. بنیانگذار این سلسله آقامحمدخان قاجار بود که تهران را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. آخرین پادشاه قاجاریه نیز احمدشاه بود که در سال ۱۳۰۴ برکنار شد و رضاشاه پهلوی جای او را گرفت. یکی از ویژگی های ایران عصر قاجار، ظهور جریانات اصلاح طلب و توسعه ای در آن بود. آشنایی با جوامع غربی از یک سو و فقدان پیشرفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جانب آنها زمینه ساز پیدایش تلاش های اصلاح طلبانه متعددی شد.

به موازات افزایش آگاهی ایرانیان از عقب ماندگی گسترده جامعه، سبب گردید که نخبگانی به فکر اصلاحات باشند. نخبگان ایران در تاریخ معاصر دوره قاجار به سه دسته تقسیم شده اند: ۱- بخشی از نخبگان حاکم که اساساً خواهان توسعه کشور نبودند ۲- عده ای از نخبگان حاکم که در پی اصلاح و نوسازی بودند ۳- نخبگان فکری. نخستین تلاش ها به وسیله میرزا ابوالقاسم قائم مقام، عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار به عمل آمد. میرزاعلی خان امین الدوله از مشهورترین رجال ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و در زمره نوگرایان بزرگ عصر قاجار به شمار می رود. وی پس از امیرکبیر از جمله کسانی است که برای اصلاحات در عصر قاجاریه تلاش وافر داشته است.

در این مقاله پرسش اصلی این است که «امین الدوله به عنوان نخبه سیاسی دوره قاجار چه نقشی در توسعه و اصلاحات در ایران داشته است؟». در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که «امین الدوله از جمله رجالی است که برای اصلاحات عصر قاجار تلاش بسیار کرد و تاثیر بسیار موثری بر ساختار فرهنگی و اداری در ایران داشته و در این زمینه اقدامات شایانی صورت داد» این نوشتار در پی بررسی این موضوع است. روش پژوهش در مقاله، روش تحلیل کیفی- کمی است.

واژگان کلیدی: قاجاریه، امین الدوله، اصلاحات، نخبگان سیاسی، توسعه، ایران

بیان مساله

توسعه و اصلاحات همواره از موضوعات محوری در تاریخ ملت‌ها، به ویژه در دوره‌های گذار و مواجهه با چالش‌های داخلی و خارجی، بوده‌اند. ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، مقارن با دوران قاجار، تحت تأثیر تحولات جهانی و نیازهای داخلی، شاهد بروز و ظهور شخصیت‌ها و جریان‌هایی بود که به دنبال تغییر و بهبود ساختارهای موجود بودند. در این میان، میرزا علی‌اصغرخان اتابک، معروف به امین‌الدوله، به عنوان یکی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار در زمینه اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود. وی در سمت‌های مختلف حکومتی، از جمله صدراعظمی، تلاش‌های گسترده‌ای را برای نوسازی و پیشرفت کشور آغاز کرد.

در تاریخ معاصر ایران، روی کارآمدن قاجار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای ایرانیان، دوره سلطنت قاجارها به نوعی اتصال ایران از جهان سنتی و قدیم به دنیای مدرن و جدید محسوب می‌شود.

دوران سلسله قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۵ ه.ش) به ویژه به عنوان دوران عرضه داشت‌های فرهنگی و هنری و جنبش‌های مهم مردمی، دارای برجستگی‌های گسترده‌ای است. این دوران مرحله اصلی گذار از جامعه و فرهنگ ایرانی پیش از مدرن به توسعه نوین ایران نیز به شمار می‌آید (کدی، ۱۳۸۱: ۹).

دوره قاجار، دوره پیش از صنعتی شدن جامعه ایرانی است، با یک حکومت نسبتاً ضعیف، در این دوره، شهرهای گوناگون و گروه‌های صنفی نظیر عشایر، اصناف و جوامع روستایی تا حدی حکومت خودمختار داشتند. وظیفه اصلی بوروکراسی ایرانی اصلاح وضع مالیات بود. نیروی نخبگان قدرت کافی انسانی در اختیار نداشت، تا قلمرو نفوذ خود را در همه لایه‌های اجتماع گسترش دهد و بروز رقابت میان دسته‌های نخبگان یکپارچگی بنیادی آنها را تحت الشعاع قرار داد (فلور، ۱۳۶۶: ۱۱/۱).

قاجار سرآغاز عصر جدید در تاریخ ایران به شمار می‌رود. ایرانیان طی این دوران سرنوشت ساز با دو چهره غرب مواجه شدند: از یک سو سیاست و استعمار بود و از سوی دیگر مدنیت و فرهنگ آن (اکبری، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

تاریخ تجدد و اصلاح و نوسازی ما ایرانیان سراسر ابهام و سؤال است. هرچه دامنه مطالعه وسیعتر می‌شود و سئوالات اولیه پاسخ داده می‌شود بر مسایل و ابهامات افزوده می‌گردد. علت آن است که پاسخ‌گویی به سئوالات ابعاد گسترده و وجود پرتراکم این موضوع را بر ما آشکار می‌کند و آن گاه مسائل جدید از دل این دانش سر برمی‌آورد. اصلاحگری در ایران از دورترین زمان‌ها و با نام‌های برجسته‌ای چون بزرگمهر، عمیدالملک ابونصر کندی، خواجه نظام‌الملک طوسی و ابوالفضل بیهقی آغاز شد و سپس به دوران جدید رسید.

بیش از حدود یک قرن از انجام اصلاحات توسط امیرکبیر در ایران عصر قاجاریه و سپس بروز انقلاب مشروطیت می‌گذرد، آنچه اهمیت دارد نقش اصلاحگرانی می‌باشد که چه قبل و چه در دوران انقلاب مشروطیت ایران در این حادثه تاریخی موثر بوده‌اند، موضوعی که در طول تاریخ معاصر ایران همیشه مورد سؤال و توجه بوده این است که چرا این اصلاحگران در اصلاحات خویش موفقیت چشمگیری نتوانستند به دست آورند.

دوره قاجاریه تقریباً از آغاز درگیر فکر و عمل اصلاحی شد. تحولات جهانی و برخورد ایران با دنیای مدرن و تحولات داخلی و خارجی این مواجهه ایرانیان را واداشت تا در اندیشه تغییر و اصلاح برآیند. برخی از رجال و متفکران در اندیشه و تولید فکر جدید موثر بودند و تلاش کردند تا دنیای مدرن را به ایرانیان بشناسانند. بعضی دیگر هم تلاش کردند تا در عمل، اصلاحاتی را موجب شوند.

در اصلاحات سیاسی و اداری که از دوره پیش از صدارت سپهسالار آغاز شد و تا روزگار صدارت او حتی پس از آن به طور جسته گریخته و همراه با فراز و فرود ادامه یافت، امین الدوله همواره صاحب مقام بود و نقش و جایگاهی در خور توجه داشت.

باید گفت امین الدوله پس از امیرکبیر و سپهسالار از جمله کسانی است که برای اجرای اصلاحات در عصر قاجاریه تلاش کرده و در راه به وجود آمدن قانون سعی وافر داشته است اما در منابعی که در اختیار می باشد آنچنانکه باید از وی و اقداماتش چیزی گفته نشده لذا به این دلیل و بیان اقدامات توسعه ای و اصلاحات وی در ایران، بر آن شدیم تا این پژوهش را به انجام برسانیم.

علی‌رغم اهمیت تاریخی امین‌الدوله و اذعان به تلاش‌های بی‌وقفه او در جهت اصلاح ساختار مالیاتی، توسعه تجارت و گمرکات، و بهبود وضعیت آموزش و صنعت، پژوهش‌های موجود کمتر به تحلیل جامع و چندوجهی از میزان اثربخشی این اصلاحات، موانع پیش رو، و تأثیرات بلندمدت آن‌ها بر تحولات متعاقب ایران پرداخته‌اند. در بسیاری از تحلیل‌ها، نقش امین‌الدوله به صورت تک‌بعدی، صرفاً در مقام یک اصلاح‌گر موفق یا ناموفق، بررسی شده است، بدون آنکه به پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محیطی که او در آن فعالیت می‌کرد، توجه کافی مبذول شود. این امر منجر به درک ناقصی از جایگاه واقعی او در فرآیند توسعه ایران و تأثیرات واقعی اقداماتش شده است. فقدان یک چارچوب تحلیلی که همزمان به دستاوردها، محدودیت‌ها، و واکنش‌های درونی و بیرونی به اصلاحات امین‌الدوله بپردازد، یک خلأ مهم در مطالعات تاریخی ایران معاصر محسوب می‌شود.

این پژوهش تلاش می‌کند تا با رویکردی تحلیلی-تاریخی و با تکیه بر اسناد دست اول و منابع متنوع، به درک عمیق‌تری از ابعاد مختلف نقش و جایگاه امین‌الدوله در توسعه و اصلاحات ایران دست یابد. شناخت دقیق‌تر دستاوردها، چالش‌ها و محدودیت‌های امین‌الدوله می‌تواند به تحلیل‌های دقیق‌تر از فرآیندهای اصلاحی در ایران عصر قاجار کمک کرده و درس‌هایی برای سیاست‌گذاری‌های توسعه در دوران معاصر فراهم آورد. علاوه بر این، این تحقیق با ارائه یک تصویر جامع و متعادل از امین‌الدوله، به غنی‌سازی ادبیات تاریخی موجود در این زمینه کمک خواهد کرد و زمینه‌ای برای پژوهش‌های آتی در خصوص نقش نخبگان در تحولات تاریخی ایران فراهم می‌آورد.

روش پژوهش

جامعه مورد نظر پژوهش دوره قاجار می باشد. در این مقاله از شیوه کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است که داده ها تجزیه و تحلیل شده و در نتیجه گیری بیان شده است. روش پژوهش در مقاله، روش تحلیل کیفی - کمی است.

سوال پژوهش

نقش و جایگاه امین الدوله در توسعه و اصلاحات ایران در دوران قاجار چگونه قابل ارزیابی است و اقدامات او چه تأثیرات بلندمدتی بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور داشت؟

پیشینه پژوهش

از آن جهت که پژوهش حاضر ابعاد گوناگونی دارد شاید بتوان از هر وجهی پیشینه ای برای آن یافت اما به طور خاص تاکنون تحقیقی در مورد نقش امین الدوله در توسعه و اصلاحات ایران انجام نداده است.

مقدمه

در ابتدا لازم است که خلاصه ای از زندگی این شخصیت و رجل سیاسی ایران را بیان کنیم. حاج میرزا علی خان امین الدوله پسر حاج میرزا محمد خان مجدالملک سینیکی از وزیران نامی زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار است که به آزادیخواهی و معارف دوستی و اصلاح طلبی مشهور بود. وی در سال ۱۲۶۰ هجری متولد شد. مبادی تحصیلات فارسی و عربی را در تهران فرا گرفت، پس از آنکه مجدالملک از ماموریت حاجی ترخان مراجعت کرد و به عنوان کارپرداز سفارت ایران مامور بغداد شد میرزا علیخان را هم بغداد برد. در این مسافرت سطح معلومات میرزا علی خان به خصوص در عربی بالا رفت. علوم ادب را فرا گرفت و حسن خط و انشاء را نزد پدر خود که از نویسندگان به نام بود تکمیل کرد. مجدالملک در سال ۱۲۸۲ هجری از بغداد مراجعت کرد و به کارپردازی آذربایجان مامور شد، میرزا علی خان نیز در خدمت او بود. در تبریز به امر پدر نزدیک معلم ارمنی به نام اساطور زبان فرانسه را آموخت و تسلطی در این زبان به هم رسانید. در این هنگام میرزا علیخان که جوان تحصیل کرده ای بود مورد توجه دولتیان قرار گرفته و به وسیله پاشان خان امین الملک(دائی خود) به حضور ناصرالدین شاه معرفی شد. ناصرالدین شاه قاجار او را با لقب منشی حضور جزو پیشخدمتان خاصه همایونی استخدام کرد و در سفر ناصرالدین شاه به عتبات(۱۲۸۷ هجری) با سمت منشی و پیشخدمت مخصوص جزو ملتزمان رکاب شاه بود(حقیقت، ۱۳۷۴: ۴۵۶-۴۵۵).

حاج میرزا علی خان که دارای القابی از قبیل منشی حضور، امین الملک و امین الدوله است. اجداد امین الدوله اصلاً مازندرانی بوده ولی چون در سینگ از قرای لواسان علاقه و ملکی داشته و در آنجا مقیم بودند از این رو به سینیکی هم معروف می باشند. حاج محمدخان سینیکی خواهر زاده میرزا آقاخان نوری دومین صدراعظم ناصرالدین شاه بوده است. از آنجا که پدر میرزا علی خان، هم صاحب قلم بود و هم در امور دولتی دست داشت، میرزا علی خان از تربیت کافی برخوردار شد. پدر وی از کارمندان عالی رتبه وزارت امور خارجه بود که مدتی در حاج ترخان به ماموریت

اشتغال داشت، سپس جهت تصفیه امور متفرقه بین ایران و عثمانی به کارپردازی ایران در بغداد تعیین گردید. در این هنگام میرزا علی خان که جوانی ۱۵ ساله بود با سمت منشی گری به استخدام وزارت امور خارجه درآمد (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۲).

پدرش از رجال خوشنام ناصری بوده و یکی از خطاطان و نویسندگان ارزنده زمان خود می باشد، گواه هوشیاری او رساله مجدیه است که با فکری روشن و بیانی ساده اوضاع ایران را در اواسط زمان ناصرالدین شاه تشریح و انتقاد نموده و با دقت و نکته سنجی معایب و نواقص امور را نشان داده و بیحالی و اغراض گروهی از رجال آن زمان را یادآور شده است و عبارات غرض آلود و نیشداری هم نسبت به میرزا یوسف مستوفی الممالک به کار برده است (صفائی، ۱۳۴۴: ۶۷).

لرد کرزن سیاستمدار معروف انگلستان که در سال ۱۳۰۷ق با سمت مخبری روزنامه تایمز به ایران آمده در کتاب ایران و موضوع ایرانی درباره وی می نویسد: امین الدوله میرزا علیخان وزیرپست- وزیر اوقاف و وزیر وظایف مرد آزادیخواه روشنفکری است. وی را در پارک مجلل تهران ملاقات کردم. زبان فرانسه را بخوبی حرف می زند، از اوضاع ایران و جهان کاملاً اطلاع دارد. نسبت به میهن خود عشق و علاقه مفرطی ابراز می کند اما در عین حال از انجام هرگونه اصلاحاتی در اوضاع فعلی نومید می باشد (بامداد ۱۳۸۷/۲: ۳۶۱).

امین الدوله از روزگار جوانی به ایده ها و اندیشه های ملکم دل بست و بعدها در زمره هواداران و دوستان او درآمد. رابطه عمیق و دوستی این دو، اسناد و شواهد گویای گوناگونی دارد که از آن میان می توان به مکاتبات طولانی مدت آنان با یکدیگر اشاره کرد.

میرزا علی خان امین الدوله زندگی بسیار مجلل و مرتبی داشت و نوکرهای فهمیده در خدمتش بودند، سفیران و دیگر اروپائیان مقیم ایران با او مراوده داشتند و در محل فخرآباد کنونی پارک بسیار وسیع و مصفائی احداث کرده بود (عاقلی، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

او از رجال برکشیده دستگاه سلطنت و در پی سامان دادن به اوضاع پادشاهی بود. چنانکه خودش می نویسد: من از معتقدین قدرت و قوت دولت و بلند نامی و شوکت پادشاهم که امور منظم و اوامر نافذ باشد و یا در قسمتی دیگر می آورد: مرگ نوکرهای بزرگ و شاهزادگان بزرگوار نیز دایره دولت را خالی و اطراف شاه را بایر می ساخت (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

محمد تقی بهار «ملک الشعرا» در کتاب سبک شناسی خود، به تفصیل از امین الدوله یاد کرده و او را از نویسندگان طراز اول و صاحب سبک دوره تجدید حیات نویسندگی ایران پس از قائم مقام فراهانی نام برده است (امین الدوله، ۱۳۵۴: ۱۲).

توسعه و اصلاحات در ایران

توسعه از دیرباز آمال و خواست مردم و بسیاری از حاکمان بوده است اما به طور کلی بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل استعمار زدایی و فقر گسترده کشورهای در حال توسعه برای فائل آمدن به مسائل به فکر چاره جویی هایی افتادند که در آغازین دهه ۱۹۵۰ به وجود آمد.

توسعه اگر به معنای دقیق آن در نظر گرفته شود یعنی معادل **development** از مباحث نوین علوم سیاسی در سطح دنیا به ویژه در ایران است. اما در معنی عام اگر در نظر گرفته شود یعنی مفهومی که در آن گسترش نهادهای سیاسی، بهروزی مردم، افزایش سطح گزینشها و همچنین رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در آن صورت با واژگانی مانند ترقی، نوسازی، رشد می تواند همخوانی داشته باشد و بحثی نسبتا دیرین هم است. در این دو مفهوم آثار گوناگونی برای توسعه نوشته شده است اما آثاری که در مورد توسعه به معنی اول تاکنون به رشته تحریر درآمده است روی هم رفته با مشکلاتی دست و پنجه نرم می کند.

همان طور که نظریه پردازان علوم سیاسی اشاره کرده اند نوسازی و توسعه در ایران فاقد یک مبنای نظری روشن و چارچوب تئوریک منسجم است و تهی از محتوای عمیق و علمی مدرنیته که به صورت سطحی ساختار جامعه ایران را از حالت سنتی بیرون آورد ولی نتوانست آن را به جامعه ای مدرن و توسعه یافته تبدیل نماید. در کل می توان گفت که نوسازی یک فرایند مستمر، مداوم و روبه جلو جهت خروج از زندگی سنتی و ورود به زندگی مدرن است.

فرآیند نوسازی ایران گاه منطقی و اندیشیده و گاه شتابزده و نامعقول بوده است. این فرآیند از حدود صد و پنجاه سال پیش با احساس ضربه ای بر پیکر امپراتوری قاجار و جامعه فرسوده ایران آغاز می شود. دگرگونی جامعه ایران پس از تماس با غرب حرکتی یک سویه داشته است با هدف گاه اصلاحات و گاه نیل به ترقی و سرانجام در دوره های جدیدتر رسیدن به رشد و توسعه (بهنام، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۲۷).

نوسازی و اصلاحات در ایران دوره قاجاریه از بالا و از طریق مقامات حکومتی آغاز شد که به علت ماهیت خودکامه رژیم و مخالفت درباریان و صاحبان منافع خاص ناکام ماند.

در ایران دوره قاجار، دگرگونی ها ابتدا از دوره عباس میرزا و همکار کاردانش میرزا ابوالقاسم قائم مقام شروع شد. در حقیقت یکی از خوشبختی های بزرگ نایب السلطنه قاجار وجود قائم مقام، سیاستمدار بزرگ و با فهم و تدبیر بود؛ چه این مرد پرارزش و شخصیت توانا و راهنمایی های صادقانه او یکی از عوامل مهم و اصلی پیروزی های عباس میرزا در دوره حکومت و فرمانروایی اش به شمار می رود (شیخ نوری، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

ایران در سیر تحول جدید فکری و اجتماعی خود تا نهضت مشروطیت چند جهش تاریخی داشت: آغاز اصلاحات یا دوره عباس میرزا؛ اصلاحات مضبوط همه جانبه یا عصر میرزا تقی خانی؛ در تلاش ترقی یا برزخ تاریخی؛ تحرک تجدد و ترقی یا عصر سپهسالار؛ تکوین ایدئولوژی جنبش ملی مشروطیت. هر یک از آن دوره ها را می توان به

چند مرحله تقسیم کرد و در پی هر خیز تاریخی، مرحله سکون و یا عقب گردی هست که حکایت از پیکار دو نیروی متقابل اصلاح طلبی و سنت خواهی می کند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۳).

تلاش‌هایی که از زمان شاه عباس اول انجام یافت و توسط او اصلاح طلبی خوانده شد، پیگیری تغییراتی بود که وضع موجود را تثبیت می کرد و این اولین خواسته محافظه کاران بود. این تغییرات تدریجی گرچه جنبه رشد و توسعه داشتند ولی به هیچ وجه بنیادی نبودند. از دیگر نمونه‌های دیگر اصلاح طلبی در ایران، همچون عباس میرزا و میرزا تقی خان امیرکبیر نیز چیزی جز اصلاحات غیر بنیادی و فرهنگی محور و تدریجی نمی توان یافت (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷: ۷۵).

سقوط سپهسالار در حقیقت نقطه پایانی امیدها و تلاشهای اصلاح از درون یا انقلاب از بالا بود. البته بعد از سپهسالار نیز کسانی از درون نظام قاجارها بودند که امید اصلاح را از دست نداده و هنوز کم و بیش سخت از اصلاحات می راندند. برخی شخصیت ها و رجال فهیم تر و آگاه تر قاجار همچون صنیع الدوله، مخبرالسلطنه، امین الدوله، ناصرالملک، مشیرالسلطنه، مستوفی الممالک و امثالهم کماکان ضمن آنکه وابسته به حاکمیت بودند، تلاشهایی می کردند تا شاید گامهایی بردازند و آنها را باید در زمره رجال آگاه و ترقیخواهی بدانیم که به مشکلات و ضعفهای نظام قاجار پی برده بودند (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۳۳۹).

در دوره قاجار، تعداد معدودی از سرآمدان، از درون حاکمیت به فکر ایجاد دگرگونی و تغییر در وضع موجود افتادند. این فکر و انگیزه بر اثر عواملی نظیر ارتباط با کشورهای غربی و آگاهی از میزان پیشرفت این کشورها، ورود برخی کتاب ها و روزنامه ها از کشورهای صنعتی به ایران، آشکار شدن عقب ماندگی و فاصله ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته در رویارویی نظامی و ... به وجود آمد (شیخ زاده، ۱۳۸۵: ۳۸).

حرکت های اصلاح طلبی که در عهد قاجار به وجود آمد، عمدتاً از دو منشا سرچشمه می گرفت. برخی از این حرکتها از داخل نظام سیاسی آغاز شده بودند و به تعبیری جریانات اصلاح طلبی درون نظام بودند و برخی خارج از نظام قرار داشتند و به گفته ای جریانات اصلاح طلب بیرون از نظام قلمداد می شدند (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۳۲).

مسئولیت های امین الدوله

در سال ۱۲۸۸ ه. ق مسئولیت چاپارخانه های دولتی به او سپرده شد و در این سمت با تلاش و جدیت سروسامانی به اوضاع پست ایران داده، جهدی بلیغ در رساندن سریع پست به شهرها انجام داد (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۳). پس از مراجعت از سفر عتبات میرزا علیخان با دختر دایی خود (دختر پاشان خان امین الملک) ازدواج کرد. بعد از یک سال پاشان خان درگذشت و ناصرالدین شاه او را به لقب امین الملک مفتخر ساخت و به تقرب وی افزود تا جایی که در کارهای کشوری و امور سیاسی طرف مشورت شاه قرار گرفت و وزارت رسائل (ریاست دفتر مخصوص شاه) به او تفویض شد (۱۲۹۰ هجری). در این سال ناصرالدین شاه به تشویق و به اتفاق میرزا حسینخان سپهسالار عازم سفر فرنگستان شد. میرزا علیخان هم ملتزم رکاب بود و نشانها و هدیه ها و تحفه هائی را که شاه برای پادشاه و روسا و وزیران کشورهای اروپایی می برد به او سپردند. در اروپا به امین الملک مأموریت داده شد که وسایل جدیدی برای

ضرابخانه ایران خریداری نماید. پس از مراجعت شاه و فوت معیرالممالک کار ضرابخانه به وی واگذار شد و به سعی او ضرابخانه مجهز و منحصر دولتی ایجاد و با حضور شاه افتتاح گردید (۱۲۹۲ هجری). در این مراسم شاه از امین الملک قدردانی کرد و سرداری و شمشیر مرصع خود را به او خلعت داد (حقیقت، ۱۳۷۴: ۴۵۶).

در سال ۱۲۹۵ ه. ق که ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا درگذشت، امین الدوله از طرف دربار ایران به سمت سفارت مخصوص انتخاب و برای عرض تسلیت روانه دربار ایتالیا شد (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۳). سپس از چند کشور اروپائی بازدید کرده درباره مسافرت شاه و برنامه آن مذاکره کرده و مطالبی هم در روزنامه های اروپائی درباره ایران و شخصیت پادشاه ایران و ترقی خواهی او انتشار داد (صفائی، ۱۳۴۴: ۷۰).

امین الملک در سال ۱۲۹۹ به وزارت وظائف و اوقاف منصوب گردید و هم در این سال به لقب امین الدوله ملقب گشت. وی در سال ۱۳۰۴ ه. ق ریاست مجلس وزیران را به عهده گرفت (حقیقت، ۱۳۷۴: ۴۵۷).

یکی از خط مشی های سیاسی امین السلطان در دوران صدارت دور نمودن رقبای خویش از مرکز بود. لذا هنگامی که مظفرالدین شاه به سلطنت نشست امین السلطان درصدد برآمد تا امین الدوله را که رقیب خود به شمار می رفت از تهران دور نماید. امین الدوله به ناچار برخلاف میل خود به دستور شاه و با صوابدید اتابک به پیشکاری و وزارت آذربایجان مامور و حامل فرمان و شمشیر ولیعهدی برای محمد علی میرزا شد (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۴).

در خاطرات سیاسی امین الدوله به این نکته پی می بریم که وی در پی چاره جویی وقایع و یافتن عوامل و علل ضعف کشور بوده و می دانسته که امور در ضمن یکی - دوسال به سامان نخواهد شد. به نظر او، ایران کشوری است که استعداد ترقی و رشد دارد. ملک ایران اگرچه به نسبت وسعت اراضی خود کم آب و از این رو آبادی اقطاع و اقطارش از یکدیگر منفصل... لکن استعدادات طبیعی و لیاقت غالب امکنه به درجه ای است که می توان این مملکت را به حد خود دارای ثروت و تمول شمرد (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۴).

صدرات امین الدوله

در بین صدراعظمهای سلسله قاجاریه، از نام امین الدوله همانند قائم مقام، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار به نیکی نام برده می شود. او زمانی به صدارت انتخاب گردید که رقابت دولتهای روس و انگلیس در امور داخلی ایران به شدن افزایش یافته و هر یک از دو دولت در تلاش بودند تا بیشتر نظر دولتمردان ایران را جهت چپاول کشور به خود جلب نمایند. در زمان صدارت وی بودجه مملکت خالی، رشوه و فساد در سرتاسر دستگاههای دولتی ریشه دوانیده بود. رقیب سرسخت وی یعنی امین السلطان که از حمایت روس ها برخوردار بود در ظاهر امر از صحنه سیاسی خارج گردید؛ لیکن در واقع با کمک دوستان و طرفداران خود، مشغول توطئه چینی بر علیه وی بود. (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۲۰-۲۱۹).

امین الدوله با کوله باری از تجربه دیپلماتیک، سیاسی و اداری، در نخستین سال پادشاهی مظفرالدین شاه و در پی عزل امین السلطان، به صدارت منصوب شد. وضع نابسامان مالی کشور و امور مالیاتی و گمرکی و مسئله استقراض خارجی، یکی از دشواری های مهم وی در مقام صدراعظم بود.

مظفرالدین شاه که خیلی محافظه کار بود در این موقع که جنگ ترک و فارس همچنان ادامه داشت، به منظور حفظ موازنه قوا، میرزا علی خان امین الدوله را به صدارت انتخاب کرد. امین الدوله از دولتمردان و کهنه درباریهایی محسوب می شد که سالها بود توسط امین السلطان از گردونه خارج شده و خانه نشین بود. مظفرالدین شاه او را که جزء فارس ها بوده و در عین حال به خاطر سابقه عداوت با امین السلطان مورد تبعیض دسته ترکها نبود به صدارت برداشت و برای اصلاح امور مملکت، ریش و قیچی را به دستش سپرد (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۸۹: ۱۰۱). امین الدوله در مزاج مظفرالدین شاه نفوذی حاصل نمود که کسی قدرت ندارد نزد شاه از امین الدوله شکایت کند. امین الدوله پس از آنکه به صدارت رسید بعضی افراد را از قبیل عبدالحسین میرزا فرمانفرما و بصیرالسلطنه که در نزد مظفرالدین شاه خیلی مقرب، و در تمام کارها دست اندازی و دخالت می کردند از اطراف شاه و دربار دور کرد (شعبانی، ۱۳۷۵: ۸۷).

هنوز مدتی از سلطنت مظفرالدین شاه سپری نشده بود که به علت نارضایتی داخلی و عدم تمایل انگلیسی ها از ادامه صدارت امین السلطان و احتیاج فراوان شاه به پول و عدم توانایی اتابک در تهیه آن، شاه امین السلطان را از صدارت معزول و با نظر موافق انگلیسی ها امین الدوله را از آذربایجان به تهران خواست. ابتدا وی را به ریاست مجلس وزرا انتخاب و سپس در رمضان سال ۱۳۱۴ ه. ق وزیر اعظم و پس از ۵ ماه به صدراعظمی انتخاب نمود. وی تا شانزدهم صفر سال ۱۳۱۶ ه. ق و به روایتی تا ۱۵ محرم در این سمت مشغول انجام وظیفه بود (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۵-۲۱۴).

به محض رسیدن امین الدوله به نخست وزیری کشمکش آشکار میان علما و دولت از نو آغاز شد، این جدال اجتناب ناپذیر می نمود، زیرا وی هم مانند اصلاح طلبان پیشین از قبیل امیرکبیر و میرزا حسینخان سپهسالار اساسا با دخالت روحانیون در امور دولت مخالفت می کرد. او گناه فرصت یافتن علما را برای مداخله به فساد و نادرستی اداری نسبت می داد و معتقد بود که اگر وضع اداری اصلاح شود علما دیگر در امور سیاسی قانونا حقی نخواهند داشت. در واقع یکی از نتایج ثانوی تشکیل حکومت مشروطه را امحاء نفوذ روحانیون می دانست و نتیجه می گرفت که روحانیان بزرگترین مانع اصلاحند (الگار، ۱۳۵۹: ۳۱۰).

اهمیت تاسیس مجلس مشورتی در عصر قاجاریه قابل توجه می باشد و باید توجه داشت اهمیتش آنقدر بوده است که صدور فرمان تاسیس این مجلس در عصر ناصری خود به گونه ای باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر ریاست امین الدوله در آن عصر دارای اهمیت بوده است و از آگاهی های وی نسبت به وجود قوانین موجود در اروپا خبر می دهد و اهمیتش را در میان روشنفکران این عصر افزایش می دهد.

به نظر می رسد روس ها از برکناری امین السلطان و روی کارآمدن امین الدوله خوشحال نبوده اند زیرا به هنگام صدارت امین الدوله سفیر روسیه به نزد شاه رفته و به او گفته بود امپراطوری می فرماید، امین السلطان را سرجای خود برگردانید (ساسانی، ۱۳۳۸: ۲۹۷).

یحیی دولت آبادی در کتاب خود می نویسد: آیا بدبختی نیست برای یک ملت که چون ریاست دولتش به عهده وزیر روشن ضمیری مانند میرزا علی خان امین الدوله افتاد سلامت نفس و نداشتن وصف سبعیت بزرگ تر تقصیر او و معارف پروری گناه عظیمش شمرده شود. امین الدوله می خواهد سرگشتگان وادی ضلالت و گم گشتگان بیابان حیرت

را با نصایح مشفقانه و بیانات حکیمانه به سر منزل سعادت رهبری نماید در صورتی که آنها را گوش استماع نمی باشد(دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۲۵۱/۱).

مورخین وی را به اشتباه با امین السلطان مقایسه کرده و او را شخصیتی منورالفکر فرض کرده اند که این امر چندان با واقعیت هماهنگ نیست(مافی، ۱۳۶۲: ۲۵۴/۱).

امین الدوله پس از یکسال صدارت و مبارزه با فساد و عوامل آن که به پشتیبانی فرمان شاهانه انجام می داد، بالاخره از پای درآمد و کنار رفت و دسیسه بدخواهان کارگر افتاد، چون پشتیبان قوی نبود. اما پس از عزل او آزادگان که از اصلاحات دولتی نومید شدند، گرد هم آمدند. انجمن ها تشکیل شد و دنباله افکار او را گرفتند و مبارزات جدی مردم با دولت شروع شد(امین الدوله، ۱۳۵۴: ۲۷-۲۶).

اقدامات توسعه ای و اصلاحات امین الدوله

یحیی دولت آبادی در کتاب خود درباره اصلاحات و توسعه امین الدوله می نویسد: امین الدوله سال ها نقشه اصلاحات ایران را روی صفحه خیال کشیده، از افکار دانشمندان ایرانی اروپادیده مانند ملکم خان و ... استفاده نموده با دیده روشن و با خیال آزاد با اطلاع کافی از اوضاع دنیا و از احتیاجات وطن می خواهد کشتی این مملکت را از چهارموجه حوادث از میان طوفان های شدید به ساحل نجات برساند، در صورتی که کار آسانی نیست. امین الدوله سال ها معاشرین و مصاحبینش منحصر بوده اند. به معدودی از دانشمندان بیداران که از دور روشنایی قرن حاضر را در خارج دیده آرزو می نموده اند دریچه ای هم از آن روشنایی به این مملکت گشوده شود(دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

کوشش های امین الدوله در ایام صدارت به طور عمده پیرامون دو موضوع بود: یکی تعیین دخل و خرج مملکت و تدوین بودجه مناسب و دیگری از بین بردن رشوه در ادارات دولتی. هدف وی این بود که ایران را از پریشانی و فلاکت که روز سعادت کشور را به شب تاریک مبدل نموده بود، برهاند و حدی برای موجب و مقرری ها و مستمری ها تعیین نماید. اقدامات وی در زمینه اصلاح امور مالی موجب کوتاه شدن دست چپاول گران از بیت المال شد(افشاری، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

امین الدوله برای اصلاح مالیه و تکثیر عواید مملکت جدیتی داشت. موجب بیجا نمی داد، انعامات بی مورد را تصدیق نمی کرد، مخارج بیهوده را که بر اثر غلط بخشی امین السلطان عادت دربار و ادارات شده بود امضا نداشت. صورت جمع و خرج ایران را در نظر گرفته بود بلکه بتواند جمع و خرج را تطبیق و تصحیح کند. در نتیجه این دقت و جلوگیری، درباریها، استفاده چیها، مستوفیها که اصل مسئله در کیسه آنها و اگر کار اصلاحی به خود می گرفت نانشان آجر بود ملتفت شدند این ترتیب برایشان مضر و باید علاجی کرد. هر دسته با هم همداستان و از هر طریقی بنای تحریک و فساد را گذاشتند(امین الدوله، ۱۳۷۰: ۲۴۱).

در بدو امر امین الدوله مشکل عمده کشور را اصلاح امور مالی می دانست و برای برطرف کردن این مشکل دست به اقداماتی زد از جمله ناصرالملک را با اختیارات تام به وزارت مالیه منصوب نمود و همین امر موجب امیدواری جمعی شد که یگانه وسیله بهبودی امور را سپردن کارها به دست افراد مطلع و تحصیل کرده می دانستند. از سوی دیگر

برای اصلاح وضع مالیه کشور سه نفر از اتباع بلژیک به ریاست مسیونوز بلژیکی را به استخدام درآورد، وی برای اینکه رقابت شدید روس ها و انگلیسی ها در امور ایران اسباب ازدیاد زحمت نشود، این افراد را از بلژیک استخدام نمود (افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۵). برای اصلاح این نهاد اقدامات و اصلاحاتی صورت داد که مورد مخالفت روحانیون و درباریان قرار گرفت.

همچنین میرزا علی خان امین الدوله برای بهبود وضعیت مالیه و داد و ستدها به ضرب سکه به شیوه نوین پرداخت. متأسفانه در این مهم محمد حسن اصفهانی [کمپانی امین الضرب] که از سوی خود او مامور بود در باندی با ابراهیم خان پدر امین السلطان باعث عزل امین الدوله از این سمت شدند (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۱۹۱).

از دهه ۱۸۸۰ (۱۲۶۰) تعداد روز افزونی از مردان دارای سمت های رسمی طرفدار اصلاحات شدند. در میان وزراء، اصلاحگر اصلی امین الدوله بود که چندین سمت داشت که عمده ترین آن ها وزارت پست بود. او اصلاحگر و نوظللی صادق بود که از فساد رایج و سلطه غرب بیزار بود (کدی، ۱۳۸۱: ۸۰).

وی به علت مسافرت های مکرری که در طول زندگی به کشورهای مختلف اروپایی انجام داد شیفته تاسیسات جدید در جوامع اروپائی شده و شدیداً مایل به انجام رفرم در کشور و تغییر شکل زندگی مردم به سبک اروپائی بود. مثلاً استفاده از میز و صندلی و پوشیدن لباس آنان را در اجتماع ترجیح می داد. به سبب دوستی و روابطی که به صورت معاشرت و مکاتبه با افراد سرشناسی مثل سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا ملکم خان، سید محمد طباطبائی، آقا شیخ هادی نجم آبادی و میرزا عبدالرحیم طالبوف داشت دارای زمینه فکری مشابه این مشاهیر و حتی در بعضی موارد پیشرفته تر و نسبت به بعضی افکار آنان دارای نظر انتقادی بود. به عنوان مثال شدیداً مخالف افکار سید جمال الدین اسدآبادی درباره اتحاد اسلام و تشکیل حکومت واحد مسلمانان بوده، معتقد به جدائی دین از سیاست بود و در زمینه سیاسی از افکار فراماسون ها تبعیت می کرد. امین الدوله معتقد به نشر فرهنگ نو و ایجاد صنایع جدید بود. در زمینه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی و وضع سیاسی ممالک مختلف بصیر و مطلع بود. همچنین در مورد وضع مملکت ایران معایب را می شناخت و در اصلاح آن ها و انتخاب راه پیشرفت صاحب نظر بود. در سیاست متمایل به غرب و انگلستان و از نظر اداره مملکت موافق حکومت قانون بود و به همین جهت متهم به جمهوری خواهی گردیده بود (عبدلی فرد، ۱۳۷۵: ۱۴۰).

امین الدوله شیفته آبادی کشور و آزادی و رفاه مردم بود و راه رسیدن به مقصود را حکومت قانون و کوتاه کردن دست قدرتهای خارجی می دانست (امین الدوله، ۱۳۵۴: ۱۰).

در همین اوقات یک متخصص امور پستی به نام ریدرز از اطریش آمده ولی هنوز کاری انجام نداده بود، شاه به ابراهیم امین السلطان (پدر اتابک) و به امین الملک دستور داد مسئولیت تاسیس پست را به عهده بگیرند. امین السلطان عذر خواست ولی امین الملک که در کار چاپاری آذربایجان شرکت و تجربه داشت امر شاه را پذیرفت و بدون آنکه پولی بر بودجه دولت تحمیل کند اداره پست را مطابق فهرستی که کارشناس پستی داده بود به عهده گرفت و پست ایران به صورت جدید دائر شد و بنا به فرمان شاه اداره پست و منافع احتمالی آن دائماً به خود او واگذار گردید و از آن

زمان پست ایران به پست بین المللی پیوست و مبادلات و بروات پستی را با کشورهای اروپا شروع کرد(صفائی، ۱۳۴۴: ۷۰).

اقدامات اصلاحی او در دوره ناصرالدین شاه از لحاظ تلاش او در ایجاد علاقه و تمایل در شخص شاه ارزشمند است و هم از نظر ترقی و توسعه بسیاری امور اداری و دیوانی که به اصلاحات او وابسته بود. برای نمونه او وضعیت پستی ایران را تا حدود زیادی به معیارهای جهانی نزدیک کرد و برای خدمات به مردم عادی و برای رشد ارتباطات وی صنعت پست را که تا آن زمان تقریباً در انحصار خدمات دولتی بود برای ارتباط مردمان بهسازی کرد. تمبر پستی را انتشار داد و ایران را به عضویت اتحادیه پست جهانی درآورد. او برای پیشرفت صنایع تلاش های بسیاری کرد و به صنعتگران و تجار ایرانی پر و بال داد. کارخانه قند و شکر در کهریزک و کارخانه کبریت سازی در الهیه از این زمره است.

در سال ۱۳۰۴ ه.ق ناصرالدین شاه طرحهای قانونی ملک و طرحهای دیگر را که قبلاً سپهسالار تقدیم کرده بود به امین الدوله داده و به او مأموریت داد که یک کتابچه قانون جامعی بنویسد که با مقتضیات کشور سازگار بوده، جلوی تعدی و تجاوز زورمندان را بگیرد و در ایران قابل اجرا باشد. وی با استفاده از افکار ملک و دیگر طرحهایی که در اختیار داشت، کتابچه قانون خود را به طوری جامع تنظیم کرد که مورد تحسین شاه و اعجاب همگان واقع گردید، ولی این طرح قانونی همچون مخالف طبقه بود و قدرت شاه را محدود می کرد هرگز به موقع اجرا درنیامد(حقیقت، ۱۳۷۴: ۴۵۷).

در سال ۱۳۰۶ ه.ق به همراه ناصرالدین شاه به اروپا رفت و از مشاهده اوضاع عمومی و نظم اجتماعی اروپا و ترقیات حیرت آور اروپائیان درسهای فراوانی گرفت و به سر پیشرفت اروپا آگاهی یافت و درصدد برآمد تا ایران را به شاهراه ترقی وارد کند(افشاری، ۱۳۷۶: ۲۱۴).

از کارهای دیگر امین الدوله آن بود که به دستور شاه از روی لایحه ای که کارشناس اطریشی تقدیم کرده بود دفتر و مهر و تمبر مخصوصی برای ثبت کلیه نوشته های شرعی و عرفی و تجاری درست کرده و مقرراتی برای ثبت اسناد تنظیم نمود که جلوی دعاوی و مراعات را بگیرد، این امر که مردم را به استحکام معاملات امیدوار می کرد با مخالفت شدید جمعی از آقایان روحانیون مواجه شد، اینان ثبت و مهر دولتی را بمنزله مداخله دولت در کار محاکم شرع دانسته و این عمل را اهانت به مقام روحانیت و حکومت شرعی خود تلقی نمودند، لذا با همه تلاشی که امین الدوله بجای آورد، این طرح مفید هم موقوف ماند(صفائی، ۱۳۴۴: ۷۵-۷۴).

اقدامات میرزا علی خان در زمینه مسائل آموزشی نیز شایسته توجه بود. هرچند تاسیس دارالفنون توسط امیرکبیر باعث برخورداری ایرانیان از مزایای تحصیلات عالیه گردید، اما تحصیلات ابتدایی همچنان در قبضه روحانیون بود. در زمان وزارت آذربایجان در تبریز به امنیت شهر و تامین نان که در آن وقت مشکل ایجاد کرده بود همت گماشت و نخستین مدرسه جدید به نام مدرسه رشديه به سعی او افتتاح گردید(حقیقت، ۱۳۷۴: ۴۵۸).

امین الدوله که به بسط فرهنگ علاقمند بود حاج میرزا حسن رشدیه را از تبریز به تهران آورد و مدرسه رشدیه را در عمارت جنب پارک خود افتتاح کرد و ۱۲ هزار تومان مخارجش را شخصا به عهده گرفت، در این مدرسه به معلمان و محصلان نهار رایگان می دادند. امین الدوله برای افتتاح این مدرسه جشنی برپا کرد و از شاه دعوت نمود و قریب سی و شش هزار تومان اعانه جمع شد که پنج هزار تومان را شاه و پانصد تومان خودش و بقیه مدعوین و رجال پرداختند و انجمنی به نام انجمن معارف تاسیس نمود، این انجمن نیز نشریه مفیدی به نام نشریه معارف انتشار می داد. روزنامه خلاصه الحوادث هم به دستور او منتشر شد، روزنامه هفتگی ایران هم یومیه گردید. به دنبال همین اقدامات امین الوله بود که با کمک مظفرالدین شاه و همت ارباب معارف مدرسه های شرف، خیریه، دانش، ادب، مظفریه، علمیه، افتتاحیه، در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ق در تهران تاسیس شد و نشر دانش رواج یافت (صفائی، ۱۳۴۴: ۸۴-۸۲).

پس از عصر سپهسالار، دوران صدرات میرزا علی خان امین الدوله را می توان نقطه اوج اصلاحات آموزشی و فرهنگی در ایران پیش از مشروطه به شمار آورد. اینکه این مسئله که از نخستین اقدامات وی دعوت میرزا حسن رشدیه از تبریز به تهران و تاسیس اولین مدرسه ابتدایی به سبک جدید در ۱۳۱۵ ق بود، نشان می دهد او برای تعالی فرهنگی در ایران و آن هم در میان توده های مردم برنامه های روشنگرانه و مبدعانه ای داشت (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۷۲).

وی در کتاب خاطرات سیاسی اش، درباره اصلاحات فرهنگی می نویسد: اگر بخواهید در زمان سلطنت از خودتان نام نیکی بگذارید به قدر امکان جدیت کنید، کارها رو به اصلاح برود. اصول قدیم زمان ناصری با زندگی دنیای امروزی متمدن موافقت نمی کند. ایران معارف لازم دارد. افتخاری برای شما بالاتر از این نخواهد بود که مدارس متوسطه و عالی تاسیس کنید و از هرکجا وجهی برسد به این مصرف برسانید که نام نیک شما در تاریخ ایران بماند که معارف پروری بهترین یادگاری خواهد بود که برای ملت ایران خواهید گذاشت (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۲۵۸).

چنانکه گفتیم از جمله اقدامات امین الدوله در موقع صدارتش استخدام چند نفر متخصص بلژیکی برای اداره امور گمرک بود. اینان پس از عزل وی به تهران وارد شدند. از دیگر کارها تاسیس کارخانه آخرین سیستم قند کهریزک در بین راه تهران و قم و با سرمایه داخلی و خارجی به وسیله مهندسین بلژیکی بود (بامداد ۱۳۸۷/۲: ۳۶۵).

در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی در گفت وگویی اقدامات وی را اینگونه شرح می دهد: دیگری گفت: من منکر لزوم قانون نیستم ولی عرض می کنم اگر علم نباشد قانون که تدوین نمی شود سهل است، که هیچ اصلاح نخواهد شد. ملاحظه کنید مرحوم امین الدوله کارخانه کبریت سازی آورد و در کهریزک کارخانه قندسازی احداث نمود و کلی خرج کرد؛ هم کبریت او را دیدیم و هم قند آن را خوردیم. در محله دروازه قزوین کارخانه بلورسازی راه انداختند. چه شد که همه خراب و بایر ماند، این خرابی جز از بی علمی بود؟ جواب گفته شد این همه از نبودن قانون بود، چه این کارخانه ها را امین السلطان به واسطه عداوتی که با امین الدوله داشت بایر و خراب خواست، زیرا که این کارخانه ها به دخالت امین الدوله دائر شده بود و در زمان صدرات او اگر قوه امین السلطان تمام نشده بود از مدارس هم امروز خبری و اثری نبود چنانکه نهایت سعی را در انهدام مدارس نمود لکن خدا نخواست (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۵).

امین الدوله درصدد تدوین قانونی برآمد و خواست آن را از تصویب مظفرالدین شاه بگذرانند، اما اینگونه افکار موجب شد که به او نسبت جمهوری خواهی دادند، وی نه تنها جلو طمع ورزی حکام و درباریان قاجار را گرفت بلکه به روحانیان هم روی خوش نشان نداد و می خواست دین و سیاست از هم تفکیک شود. ولی با این اقدامات همه جانبه درباریان و اطرافیان مظفرالدین شاه و روحانیون را با خود مخالف کرد. طرفداران اتابک به شدت مخالفت و تبلیغات ضد امین الدوله می افزودند. روسها نیز از او به مناسبت دوستی با انگلیسیها ناراضی بوده به شاه تغییر وی را توصیه می کردند و حاج میرزا حسن آشتیانی مجتهد را وادار به تکفیر امین الدوله ساختند و وی را به بی دینی متهم کرد. نسبت سوء استفاده از درآمد پست و املاک خالصه هم به او دادند(حقیقت، ۱۳۷۴: ۴۵۸). امین الدوله در شش ماه وزارت متزلزل قانون نوشت و شالوده مملکت را از طلا سرشت(نجفی، ۱۳۷۶: ۴۱۸).

امین الدوله در امور داخلی به نشر معارف و جلوگیری از خرابکاری و ارتشا و محدود کردن ماموران دولت علاقمند بود، در سیاست خارجی به صیانت شئون و حیثیت دولت ایران می کوشید ولی به سیاست انگلیسیها تمایل داشت و دوستی با آن دولت را برای ایران مفید می دانست و همین فکر و اندیشه او را طرفدار و مجری سیاست انگلیسیها معرفی کرده بود. برای برطرف کردن مشکلات بین دولت ایران و عثمانی مایل بود مظفرالدین شاه شاه سلطان عثمانی را به عنوان خلیفه مسلمین بشناسد. او معتقد به تفکیک سیاست از دیانت بود و مداخله روحانیون را در امور سیاسی به زیان کشور می دانست. با خرافات و قلندر بازی و تعزیه خوانی و جن گیری و رمالی به کلی مخالف بود. به تمدن اروپا دلبستگی داشت. تنظیم و اجرای قانون و نشر معارف را بهترین وسیله سعادت و ترقی ملت ایران می پنداشت؛ اما نتوانست افکار اصلاحی خود را از قوه به فعل بیاورد و دارای آن قدرت نبود که بر مشکلات چیره گردد(صفائی، ۱۳۴۴: ۹۵-۹۴).

وی در خاطرات اش درباره منضم کردن قشون به این نکته اشاره می کند که ایران قشون منظم آبرومند می خواهد. ایران باید معاشر منظم باشد. هر ساعت سفارتخانه ای مراسله بالابلند به وزارت خارجه نفرستد که فلان ایل ایران در فلان راه مال التجاره تبعه مرا سرقت کرد. عین مال و خسارت تبعه خود را مطالبه می کنم و یا درباره تشکیل یک عدلیه خوب می نویسد: عموم اهل این مملکت از نداشتن عدلیه چطور دچار تعدی حکام دولت و حکام شرع هستند و به واسطه نبودن محاکم مرتب حقوق این مردم پایمال می شود. کدام سعادت برای عصر سلطنت شما بالاتر از این است که به تشکیل یک عدلیه خوب برای مملکت موفق شوید(امین الدوله، ۱۳۷۰: ۲۵۹-۲۵۸).

همان گونه که بیان کردیم اقدامات اصلاحی او در دوره ناصرالدین شاه از لحاظ تلاش او در ایجاد علاقه و تمایل در شخص شاه ارزشمند است و هم از نظر ترقی و توسعه بسیاری از امور اداری و دیوانی که به اصلاحات او وابسته بود.

اقدامات امین الدوله به دو دسته تقسیم می شود. یکی اقدامات ناصرالدین شاه و دوره ریاست و وزارت، دوم اقدامات زمان مظفرالدین شاه و زمان صدارت. الف) اقدامات زمان ریاست و وزارت را می توان اینگونه بر شمرد: ۱- تاسیس و توسعه پست ایران به سبک جدید و یکنواخت کردن قوانین پستی ایران با سایر ممالک. امین الدوله همچنین

برای استخدام کارمندان پست نیز ضوابطی از نظر عدم سوء پیشینه، عدم اعتیاد، خوشنامی، وقت شناسی و ... را در نظر گرفت. همچنین قوانینی نیز برای بازنشستگی کارمندان و بازماندگان کارمندان بعد از فوت آن ها تدوین و در ادارات تحت کنترل خود برقرار کرده بود. ۲- راه اندازی ضرابخانه ماشینی و انحصار زدن سکه در پایتخت و لغو مراکز ضرب سکه ایالات ۳- انجام برنامه های راه سازی که برای اولین بار راه گیلان را شوسه و کالسکه رو نمود. ۴- تهیه اوراق و اسناد تمبردار در معاملات دولتی که به علت عدم استقبال محاضر و دوایر دولتی بعد از چندی، استفاده از آن منسوخ شد و مجددا در زمان صدارت نیز این روش را برقرار کرد ولی با مخالفت دیگران مواجه شد ب) اقدامات زمان صدارت که می توان اینگونه بیان کرد: ۱- اصلاح امور گمرک و تمرکز عواید گمرکی همچنین اصلاح و ترمیم راه های ایران که هر دو در استقراض خارجی بود. امین الدوله به علاوه اقدام به استخدام کارشناسانی از بلژیک برای پایه ریزی تشکیلات گمرکی به سبک جدید نمود ولی عمر صدارت وی کفاف نداد که خود آن ها را تحت کنترل و نظارت بگیرد ۲- تاسیس مدارس به سبک جدید که اولین آن، مدرسه رشدیه بود ۳- تشویق فرهنگیان و علما به گسترش مطبوعات و تسهیلاتی برای دادن امتیاز تاسیس روزنامه های جدید ۴- برانداختن رسم رشوه از ادارات دولتی ۵- تنظیم بودجه مملکت و تعیین دخل و خرج دولت ۶- ترتیب عدلیه و قضاوت به سبک جدید ۷- اصلاح وضع قشون و تبدیل قراسوران به ژاندارم ۸- تاسیس کارخانه کبریت سازی در الهیه شمیران ۹- تاسیس کارخانه قند در کهریزک (عبدلی فرد، ۱۳۷۵: ۱۴۲-۱۴۱).

در دوره سلطنت مظفرالدین شاه و صدارت امین الدوله در سال ۱۳۱۴ق نیز اصلاحاتی ساختاری همچون تاسیس هیئت وزیران مسئول، برپاکردن مجلس عمومی اصلاحات با شناختن حق افراد در تقدیم نقشه اصلاحات، تمرکز دستگاه مالی، رساندن مالیات کامل ولایات به خزانه، تعدیل دخل و خرج، بستن مالیات مستقیم به مواجبات های هنگفت که صاحبان آنها مالیاتی نمی پرداختند، کاهش فشار حکومت و دادن آزادی نسبی، نشر معارف و گسترش مطبوعات تازه صورت گرفت و حتی لزوم برپایی حکومت ملی به عنوان یگانه راه کار سیاسی در مجلس کنکاش دربار مطرح شد، ولی همه اینها نیز در اجرا به شکست انجامید (کسروی، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۲).

در کتاب خاطرات سیاسی وی، عرایض به مظفرالدین شاه درباره اصلاحات نشان از حکمت والایی دارد: صاحب دولتان را نشاید که در کار، نومییدی اظهار کنند و با همت بلند هیچ مشکل نمی ماند. اگر پادشاه از اصلاح امور و اعادت احوال به مجاری طبیعی مایوس شود او را ظالم بنفس و غیر باید شمرد (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۲۲۳).

امین الدوله را می توان آخرین مصلح بزرگ دوره قاجاریه دانست که به مقام صدارت رسیده و عمری را با کارنامه اصلاحی به سر برده است. وی از رجال مصلح و موثر بر ساختار فرهنگی و اداری در ایران بوده است.

طالبوف و دولت آبادی معتقد بودند که امین الدوله این امکان را داشت که غائله را هم به سود دولت و هم ملت

ختم کند و اصلاحات قانونی منظمی را به انجام برساند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۷).

میرزا علی خان امین الدوله چون از ابتدای خدمت در دستگاه ناصرالدین شاه تا انتهای آن در دستگاه مظفرالدین شاه معتقد به تقویت مقام سلطنت و هدایت آن قدرت در جهت منافع مردم بود، راه دشواری را پیمود، زیرا از طرفی با توجه به وضع عمومی و اجتماعی آن روزگار گرداندن کارها به نفع مردم دقت و ظرافت زیاده از حد می خواست و از

طرف دیگر می بایستی پیوسته با دسیسه های کاسه لیسان در باری مصاف دهد از اینرو چون بندبازی چابک مجبور به حفظ موازنه بود(امین الدوله، ۱۳۵۴: ۱۵).

مظفرالدین شاه مانند پدرش میل داشت به سیر و سیاحت در اروپا بپردازد ولی خزانه خالی اجازه چنین سفری را نمی داد. او امین الدوله را وادار کرد که وامی از خارجی ها بگیرد. وی تمایلی به گرفتن وام نداشت و حتی کوشید شاه را از سفر منصرف کند. اطرافیان ذهن شاه را نسبت به او مشوش کردند و پس از ۱۳ ماه صدارت مظفرالدین شاه او را در ۱۳۱۶ه.ق از صدارت عزل و به قریه لشت نشاء تبعید کرد. امین الدوله چند سال در لشت نشاء در تبعید بود و سرانجام در سال ۱۳۲۲ ق درگذشت.

نتیجه گیری

برای ایرانیان دوره سلطنت قاجارها به نوعی نقطه اتصال ایران از جهان سنتی و قدیم به دنیای مدرن و جدید محسوب می شود. روند پیوسته اصلاحات در دوره قاجاریه از عباس میرزا و قائم مقام شروع شد و با امیرکبیر و سپهسالار شخصیت گرفت و به امین الدوله رسید.

مقایسه میان رجال قاجاریه تا امین الدوله نشان می دهد بستر تاریخی و شرایط زمانه تاثیر شگرفی در کنش مصلحان خواهد داشت. این دانش و آگاهی به ارث رسیده از مصلحان قبلی است که می تواند شرایط را برای تحولات جدید آماده سازد. هر مصلحی بر تجربیات و زمینه سازی های رجال پیشین تکیه دارد.

همان گونه که گفته شد امین الدوله وارث روند اصلاحات در دوره قاجاریه است ولی خود به شخصه با پیشینیان متفاوت بود. در ساختار اداری و فرهنگی اصلاحاتی صورت داد که قابل مقایسه برای تبیین این روند و نه قضاوت با گذشتگان است. فکر اصلاح طلبی و توسعه در دوران قاجاریه مخالفان و بلکه دشمنان قابل توجه و گاه بس قدرتمندی در درون و بیرون از حاکمیت داشت. او امتیازات را عاقلانه تر و قابل دفاع تر در اختیار گذاشت و استقراض را به شیوه گذشته بر ایران تحمیل نکرد. وی بینش عمیق و بی بدیلی در مورد فرهنگ و آموزش و آزادی قلم داشت که متفاوت از دغدغه های سپهسالار در عدلیه و نظام است.

امین الدوله به سال ۱۲۶۰ هجری قمری در تهران به دنیا آمد و به سال ۱۳۲۲ هجری قمری در لشت نشاء، ملک شخصی پسرش چشم از جهان فرو بست. در طول عمر خویش شاهد دسته بندیها، دسیسه بازیها و کینه ورزیهای رجال ایران بود و عجب آنکه خود او هم نتوانست از میدان توطئه گریها به دور بماند.

شخصیت سیاسی و تاثیرگذار را باید در ظرف زمانه و با در نظر گرفتن واقعیت های روزگار، ارزیابی کرد. امین الدوله دولتمرد مشهور عصر قاجار، در زمانه ای زندگی می کرد که رجال و سیاستمداران ایرانی از سه حال خارج نبودند: یا وابسته به سیاست روس بودند، یا همراه و هوادار سیاست های انگلیس بودند و یا در موارد معدودی مستقل و وطن پرست به شمار می رفتند. وی مرد زمانه ای بود که تناقضات اداری و فرهنگی، روزگار و مردم و دستگاه حکومتی را به عصیان کشانده بود و دیری نپایید که خود را در جنبش مشروطه نشان داد.

وی از درون خاندان های حکومتگر ایرانی ظهور نموده اما تحت تاثیر فرهنگ اروپایی و اقدامات اصلاحگرانه بعضی از مصلحین قرار گرفت. وی راه بقیه را ادامه داده و راه را برای افراد مترقی آینده هموار می کند و خود در دوران حکومت مظفرالدین شاه اقدامات مورد نیاز جامعه آن زمان را انجام می دهد و وی ضمن انتقاد از شاه به بیان اندیشه های نو و اصلاحگری پردازد.

علی خان امین الدوله گرچه خود از فرزندان خانواده ای می باشد که در تاریخ سیاسی ایران نقش داشته و در زمینه تاریخی ایران جز لاینفک لایه های حکومتی بوده و وابستگی نسبی و سببی داشته و چه بسا در روی کارآوردن و یا عزل رجال حکومتی، و حتی خوشنامی و بدنامی پادشاهان عصر خود نیز موثر بوده، توانسته است تا حدود زیادی نقش اصلاحگرانه ای را ایفا کند.

امین الدوله در ایام کوتاه صدارت خود دست به کار اصلاحات زد و اجرای طرح هایی را که امیر کبیر و حاج میرزا حسین خان سپهسالار در این زمینه تهیه نموده بودند مورد توجه قرار داد.

پیروزی جنبش مشروطه خواهی نتیجه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران و به بار نشستن تلاش های اصلاح طلبانه ای از قبیل اقدامات امین الدوله در نظر گرفته شده است که سالها قبل از آن انجام گرفته بود.

با توجه به جنبه های تئوریک و سیاسی نوسازی و توسعه و تجربه فکری و عملی ایرانیان در دوره معاصر در خصوص اصلاحات و نوسازی نتیجه می شود گرفت که در حرکت اصلاحی امین الدوله توانست با یک چارچوب نظری روشن و جامع و در پیوند با نیروها و طبقات پیشرو جامعه و متوسط، موانع ذهنی و عینی اصلاحات را از پیش بردارد و کشور را به توسعه برساند.

بی هیچ تردید، میرزا علی خان امین الدوله از مردان توانا و پراستعداد تاریخ معاصر ایران است. تنها با توجه به ابعاد گسترده اقداماتش می توان وی را سیاستمداری والا شمرد. شناخت بیش تر او و تاثیرش در سیاست های ایران به بازننگری و کاوش نیازمند است. کاوشی از نوع بی طرفی و با توجه به عینیت های تاریخ.

منابع

- ۱- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲)، مشروطه ایرانی، تهران: اختران
- ۲- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، چاپ سوم، تهران: انتشارات خوارزمی
- ۳- افشاری، پرویز (۱۳۷۶)، صدراعظمهای سلسله قاجاریه، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- ۴- اکبری، محمدعلی (۱۳۹۴)، چالش های عصر مدرن در ایران عهد قاجار، چاپ دوم، تهران: انتشارات ایران
- ۵- الگار، حامد (۱۳۵۹)، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، دین و دولت در ایران: نقش علماء در دوره قاجاریه، ترجمه ابوالقاسم سری، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس
- ۶- امین الدوله، میرزاعلی خان (۱۳۷۰)، خاطرات سیاسی میرزا علیخان امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، زیر نظر ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر
- ۷- امین الدوله، میرزا علی خان (۱۳۵۴)، سفرنامه امین الدوله، با مقدمه علی امینی، به کوشش اسلام کاظمیه، تهران: انتشارات توس
- ۸- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۷) سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفیعلیشاه
- ۹- بامداد، مهدی (۱۳۸۷)، شرح حال رجال ایران در قرن های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات زوآر
- ۱۰- بهنام، جمشید (۱۳۹۴)، ایرانیان و اندیشه تجدد، چاپ پنجم، تهران: نشر فرزاد روز
- ۱۱- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۴)، وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیرکبیر، دوهزار سال وزارت، تهران: انتشارات کوش
- ۱۲- دولت آبادی، یحیی (۱۳۸۷)، حیات یحیی، با مقدمه و تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی، جلد اول، تهران: انتشارات فردوس
- ۱۳- زیباکلام، صادق (۱۳۷۹)، سنت و مدرنیته، ریشه یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار، چاپ چهارم، تهران: روزنه
- ۱۴- ساسانی، خان ملک (۱۳۳۸)، سیاستگران دوره قاجار، تهران: انتشارات هدایت
- ۱۵- شعبانی، علی (۱۳۷۵)، هزار فامیل، تهران: انتشارات زرین
- ۱۶- شیخ زاده، حسین (۱۳۸۵)، نخبگان و توسعه ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- ۱۷- شیخ نوری، محمدامیر (۱۳۸۹)، فراز و فرود اصلاحات در عصر امیرکبیر، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۱۸- صفائی، ابراهیم (۱۳۴۴)، رهبران مشروطه، تهران: انتشارات جاویدان علمی
- ۱۹- عاقلی، باقر (۱۳۸۱)، خاندان های حکومتگر ایران قاجاریه و پهلوی، تهران: نشر علم

۲۰- عبدلی فرد، فریدون (۱۳۷۵)، تاریخ پست در ایران، از صدرات امیرکبیر تا وزارت امین الدوله، تهران: انتشارات

هیرمند

۲۱- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد اول، تهران: انتشارات توس

۲۲- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰)، دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز

۲۳- کدی، نیکی آر (۱۳۸۱)، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس

۲۴- کسروی، احمد (۱۳۷۳)، تاریخ مشروطه ایران، چاپ هفدهم، تهران: امیرکبیر

۲۵- مافی، حسین قلی خان (۱۳۶۲)، خاطرات و اسناد، به کوشش منصوره اتحادیه و معصومه مافی، جلد اول، چاپ

دوم، تهران: نشر تاریخ ایران

۲۶- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۴۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ

ایران

۲۷- نجفی، موسی (۱۳۷۶)، بنیاد فلسفه سیاسی ایران عصر مشروطیت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

۲۸- هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه) (۱۳۸۹)، خاطرات و خطرات، توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره

زندگی من، چاپ هفتم، تهران: زوار